تأثیر عدم نقطه گذاری در اختلاف قرائات

شاگرد: نقطه گذاری هیچ تأثیری در پدید آمدن اختلاف قرائت نداشته؟

استاد: ببینید اختلاف قرائاتی که در آن زمان بوده بسیار گسترده بوده. اما اختلاف قرائاتی که بعد از تصفیه و فیلتر گذاری شده، نه. یعنی کسانی بودند که سر تا پای عمرشان تخصص شد. بعد از اینکه اینها ترتیب اقراء کلاسیک را تشکیل دادند، اینها از بین رفت. یعنی دیگر مجال این نبود که هر کسی بگوید من این نوشته را به این صورت خواندم.

شاگرد: در چه دوره‌ای می‌توانیم بگوییم این نقطه گذاری‌ها منشأ اختلاف شده بود؟

استاد: در قرن دوم حسابی بوده است.

شاگرد: به نظر شما چند درصد سهمی از اختلاف داشته؟

استاد: در آن فضا خیلی زیاد بوده، چون کار اجتماعی است. در فضایی که عده‌ای تخصصی کار می‌کنند، بین هزاران نفری که در بطن اجتماع زندگی می‌کنند، کار کمی است. کار بسیار ناچیزی است که یک شخص می نشیند و به چند نفر اقراء می‌کند. در قرن بعد، در دویست سال بعد اثر خودش را نشان می‌دهد. و الا در زمان خود آنها بسیار فراهم بود و اینها هم خیلی بود. و لذا می‌گوییم که رواج ناظر به آنها است. یعنی در بین مردم اینها زیاد بود. می‌خواندند و می‌گفتند این چطور قرآنی است که می‌خوانی؟!

شاگرد: اگر قرآن را سماع نمی کردند این نقل به معنا به وجود می‌آمد.

استاد: بله، اصلاً جایز می‌دانستند. دوازده شاهد را در یک صفحه آورده‌ام. از صاحب تا شافعی کسانی بودند که به‌راحتی می‌گفتند که جایز است. یعنی عقیده شان این بوده که شارع خودش اجازه داده که شما قرآن را به معنا تلاوت کنید. و لذا گفتم ابن حزم می‌گوید[1] اگر مالک متوجه بود کافر است. عرض می‌کردم کافر نیست. شما با قضایای ابن مجاهد به بعد ذهنیتت عوض شده و می‌گویی وای مالک کافر است. مالک در فضایی بود که اینها را کافر نمی دانستند. خود مالک هم بعد از اینکه شاگردش ابن وهب از او پرسید...؛ ابن وهب تفسیر دارد. می‌گوید از استاد پرسیدم تو این را جایز می‌دانی؟ گفت چرا جایز نباشد؟! بعد گفت آن شش نفری که عمر در شورا گذاشت همه مصحف داشتند. کان لکل واحد منهم مصحف.

منظور اینکه فضا به این صورت بود. اثرات این قراء و کارهای دقیق آنها در آینده بازتاب داشت. یعنی بعداً اگر کسی اشتباه می‌خواند کسانی که متخصص بودند می‌خندیدند. می‌گفتند این نیست. لذا اختلاف قرائات ناشی از مصحفی بودن، از نقل به معنا بودن، همه فراموش شد. طبری در سال ۳۱۰ وفات کرده، مقدمه او را ببینید. محکم می‌گوید ستة احرف الآن در بین ما مسلمانان

نیست. طحاوی هم می‌گوید. طحاوی می‌گوید شش حرفی که قبل از ما بین مسلمانان بود الآن دیگر بین ما نیست. اول ان قلت مطرح می‌کنند که آن‌ها را به ما نشان بده، می‌گوید نیست که به شما نشان بدهم. طبری می‌گوید از بین رفته و محو شده.

شاگرد: منظورشان آن هایی است که تصحیف شده؟

استاد: طحاوی صریحاً می‌گوید یعنی آن هایی که مردم مرادف آورده بودند. کلمات طبری مضطرب است. گاهی می‌گوید نازل شده و گاهی می‌گوید مراد است. ولی تصریح می‌کند که آن شش مورد بین ما نیست.

والحمد لله رب العالمین

---

[1] الإحكام في أصول الأحكام لابن حزم (۴/ ۱۷۱)

بازبینی #2
ایجاد شده 4 آوریل 2024 12:39:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2024 12:18:05 توسط ... .